

بایسته‌ها در آرایه‌ها

مطلع اول

از بیان شاعرانه‌ای که با کلام عربی و علم بلاغت از کهن‌ترین علم‌های است که در ایران و عربستان آغاز شد و بزرگ و مشترک در بین نویسندگان و محققان و ادیبان و محققان آن نگاشته شده است. از اسرارالبلاغه‌ای شیخ عبدالقاهر جرجانی که قدیم‌ترین تألیف در این زمینه است تا مصنف عبداللین نعمانی که شاید بیش از هر کتاب دیگر، شرح و حاشیه بر آن نگاشته شده، تا امروزی‌ترین کتاب چون صناعات ادبی استاد جلال‌الدین همایی و موسیقی شعر دکتر شفیعی کدکنی هر یک کوشیده‌اند تا با



غور و باریک‌اندیشی در مقوله‌های بلاغی، رمز و رازها و

کرشمه‌های این علم را بشناسند و بشناسند و به تدوین و تنقیح آن پردازند. کتب و تألیفات در این زمینه گاه آن چنان مبسوط و مفصل بوده که دیگران یا خود مؤلف را برانگیخته تا فشرده و تلخیصی از آن‌ها را برای تسهیل در خواندن عرضه کنند؛ برای نمونه تلخیص المفتاح خطیب دمشقی که خود تلخیص مفتاح العلوم سکاکی است بارها خلاصه شد و در هر بار خلاصه شدن پیراستگی و گاه آراستگی بیشتر یافت تا خوانندگان متنی روان‌تر، قابل فهم‌تر و زودیاب‌تر را پیش رو داشته باشند.^۱ در این میان مطول و مختصر تفتازانی چه از نظر گاه اقبال و شهرت و چه تنظیم و ترتیب پایگاه و جایگاهی ویژه یافته‌اند.

مطلع دوم

کتاب‌های بلاغت، گاه تقلید و بازنویسی آثار پیشینیان و گاه محصول و تراویدهی ذهن و ذوق نقاد و وقاد زیباشناسان و نظریه پردازان ادبی و گاه تلفیقی از این دو است. این آثار با همه‌ی ارجمندی و اعتبار، کاستی‌هایی قابل تأمل دارند و بایستگی‌هایی در آن‌ها مغفول مانده است. مثلاً به ندرت می‌توان در انبوه کتب مدون در این زمینه، کتابی یافت که در عین تحلیل زیباشناسانه، تحلیل‌های فلسفی و روان‌شناسانه - دلیل روان‌شناسانه‌ی زیبایی - را چاشنی و همراه با بحث‌ها مطرح کرده باشد؛ در این میان اسرارالبلاغه‌ی عبدالقاهر جرجانی از نادر کتب متقدمان در این حوزه است که خصوصیات ممتاز دارد. «سبک تحلیل عبدالقاهر در مسائل همانند روش معروف سقراطی و به گونه‌ی سؤال و جواب است. او نخست ابهام‌ها و اشکال‌ها را مطرح می‌کند و راه تخلص از آن‌ها را می‌پرسد و سرانجام پس از

شعر، از دیرباز تاکنون حاکم بلامنزاع و مطلق کتب بلاغت است. تکیه‌ی محض بر شعر و شواهد شعری باعث شده است که این گمانه برای برخی پدید آید که صناعات و آرایه‌های ادبی تنها ویژه‌ی شعر است. ساحت‌های دلنواز و شکوهمند نثر از بایسته‌های فراموش شده است. در کدام کتاب بلاغی دیروزین و امروزین نمونه‌ی نثر برای ابهام، اغراق، مبالغه، براعت استهلال، الثفات و استعاره و تشبیه و... می‌توان یافت. برای نمونه اگر کتاب‌های متقدمان در تفسیر، علوم مختلف و حتی در خود بلاغت را مطالعه کنیم، بسیاری از آن‌ها با براعت استهلالی زیبا و تأثیرگذار و زمینه‌ساز برای ورود به مبحث اصلی آغاز می‌شوند. اما در کتب بلاغی از این خوش‌آغازی‌های هنرمندانه یا براعت استهلال‌ها بهره نگرفته‌اند. شاید بتوان گفت که جایگاه این آرایه در نثر هرگز کم‌تر از شعر نیست. اگر متن نثر با شروعی جذاب و شیرین و شگفت آغاز شود، کشش برای خواندن متن افزایش می‌یابد و همین ویژگی نویسندگان بزرگ را واداشته است که در آغاز کتاب خویش بارها تجدیدنظر کنند. گفته‌اند افلاطون صفحه‌ی اول کتاب جمهوریت را صد و سی بار پاکتویس کرد تا به شروعی مطلوب و مؤثر دست یابد.

سیطری شعر، هیچ بلاغت‌نویس سنتی را برنیاکنیخته است تا نمونه‌ای از این براعت استهلال‌ها را در شواهد و امثال خویش مورد استناد قرار دهد.

رهی نخستین ادبیات فارسی - شعر و نثر - تا به امروز نمونه‌هایی مطرح
ود تا مخاطب دریابد که نگاه و نوع بیان شاعران و نویسندگان چه آفاق و
ستره و تحوکی یافته است؟

به پیروی از سنت گرایان، به ندرت نمونه‌های شعر نیمایی در کتب
باشناسی مطرح می‌شود. شعر نو نیمایی و شعر سپید - نمونه‌های مطرح و
طلوب - سرشار جلوه‌های گوش‌نواز ادبی و هنری و زیبایی‌های چشمگیر و
بمع و شکوهمند هستند که اتفاقاً از جاذبه و کشش متناسب در میان
مخاطب‌های جوان و نوجوان برخوردارند؛ طرح این نکته هرگز بدان معنا
نیست که ادب سنتی و کلاسیک کم‌رنگ یا مورد بی‌مهری واقع شود.

اگر در تصور بر امروزه - بیشتر روی به مطالعه‌ی مناسب برآید
نمونه‌های فراوانی از شعر نیمایی و شعر سپید در دسترس است که به
این آفاق و وسعت در ادبیات فارسی نرسیده‌اند. این آفاق و وسعت
و گستره، حاصل آشنایی با سبک‌های نوین و روش‌های نوین در ادبیات
فارسی است. این آشنایی و روش‌های نوین، در ادبیات فارسی، به
تدریج و تدریج، به دست‌یافتنی‌ترین راه، به دست‌یافتنی‌ترین
راهی برای مطالعه و آشنایی با ادبیات فارسی است. این آشنایی
و روش‌های نوین، در ادبیات فارسی، به تدریج و تدریج، به دست-
یافتنی‌ترین راه، به دست‌یافتنی‌ترین راهی برای مطالعه و آشنایی
با ادبیات فارسی است. این آشنایی و روش‌های نوین، در ادبیات
فارسی، به تدریج و تدریج، به دست‌یافتنی‌ترین راه، به دست-
یافتنی‌ترین راهی برای مطالعه و آشنایی با ادبیات فارسی است.

- در مجموع مثال‌ها و نمونه‌ها - به ویژه برای مخاطب‌های نوجوان و
ویا باید:
- ۱ - روان، ساده، زیبا و امروزی باشند؛ یا دست‌کم تعادل میان دیروز
امروز حفظ شود.
 - ۲ - نمونه‌ها در حوزه‌ی نثر فراموش نشود.
 - ۳ - فهم نمونه‌ها حتی المقدور دو کارکرد ذهنی در پی نداشته باشد.
 - ۴ - سیر تحول و تطور در ارائه‌ی نمونه‌ها لحاظ شود.

مطلع چهارم

با همه‌ی کوشش‌ها و پژوهش‌های ارجمند و گران سنگ در شناختن و
شناساندن زیبایی‌های ادبی، هنوز بسیار آرایه‌ها و لطافت‌های ناگفته و
ناکاویده در ادبیات ما هست که نیازمند یافتن و طرح دقیق و عمیق هستند.
همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد سیطره‌ی ادبیات عرب گاه مانع چنین
گفت‌وگوها و جست‌وجوها شده است. چه بسیار زیبایی‌ها که در زیباشناسی
سنتی مطرح نشده‌اند. پارادوکس (متناقض‌نما)، 'حس آمیزی (حسامیزی)،
شعر پژواکی، ایهام تبادر و ایهام ترجمه از آن جمله است.
نمونه‌هایی زیبا از هر کدام از این آرایه‌ها را در ادب گذشته و امروز
می‌توان یافت.

- متناقض‌نما:

گوش مروئی کو کز ما نظر نپوشد
دست غریق یعنی فریاد بی صدایم

بیدل

عاشقم بر قهر و بر لطفش به جد
ای عجب من عاشق این هر دو ضد

مولانا

از نهی سرشار
جویبار لحظه‌ها جاری است
چون سیوی نشنه کاندر خواب بیند آب و اندر آب بیند سنگ
دوستان و دشمنان را می‌شناسم من
زندگی را دوست می‌دارم
هرگز را دشمن
زای و آباد با که با بد گشت این زمین هوشی نام
بخت و بدبختی را در دستم از آن گویا
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم
هر روز به طاعت مشغولم

سوراب شهری

حسن آمیزی، بر خلاف آن‌چه گفته می‌شود تنها محصول جابه‌جایی
حواس پنج‌گانه‌ی ظاهری نیست؛ بلکه گاه «صورت‌هام‌تر و پنهان‌تر این
است که این صفت‌های حسی را به پدیده‌های انتزاعی که اصلاً قابل دریافت
با حواس ظاهری نیستند، نسبت بدهیم چنان‌که مثلاً سلمان هراتی در شعر
تدفین مادر بزرگ از «رنگ سرانجام» سخن می‌گوید و محمدعلی بهمنی به
فعل «می‌جوئد» رنگ زرد می‌بخشد.

آن گاه بی‌درنگ

مادر بزرگ من

در جامه‌ای به رنگ سرانجام

پیچیده شد

سلمان هراتی

نشسته‌اند ملخ‌های شک به برگ یقینم

بین چه زرد مرا می‌جوئد، سبز ترینم

محمدعلی بهمنی^{۱۲}

- شعر پژواکی (Echo Verse)

در غزل مشهور سعدی که ملک‌الشعراى بهار آن را تضمین کرده است،
بیت زیبای زیر پژواک و انعکاس صدا در واژه‌ی کاری = که آری دیده می‌شود.
گر بگویم که مرا با تو سر و کاری نیست
در و دیوار گواهی بدهد «کاری» هست
در شعر زیر نیز پژواک شکوای شهریار شهر سنگستان با تاریکی غار به

زیبایی بیان شده است.

سخن می گفت - سر در غار - شهریار شهر سنگستان
سخن می گفت با تاریکی خلوت
حزین آوای او در غار می گشت و صدا می کرد
غم دل با تو گویم غارا
بگو آیا مرا دیگر امید رستگاری نیست؟
صدا نالنده پاسخ داد... آری نیست؟

مهدی اخوان ثالث

در حقیقت بازتاب انتهای عبارت رستگاری نیست، به صورت آری
نیست، در غار پیچیده است.

ایهام تباد

ایهام تباد واژه یا گروه واژه‌ای است که جز معنای خویش، معنای
دیگری را به تناسب یافت و ساختار و فرمت‌ها، فریاد می آورد. در این قسمت
از سروده‌ی زیبای در سایه‌سار نخل ولایت از سیدهدلی موسوی گرماردی
این آرایه‌ی زیبارا می توان یافت:
کدام وام دارترید؟
دین به تو، یا تو بدان
هیچ دینی نیست که وام دار تو نیست
دری که به باغ پیشش ما گشوده‌ای
هزار بار خبیبری تر است
مرحبا به بازوان اندیشه و کردار تو^{۱۱}

در این سروده دین، با واژه‌ی وام - در هر دو بار - واژه‌ی «دین» را نیز به
ذهن متبادر می کند و واژه‌ی «مرحبا» به دلیل طرح مسئله‌ی خبیر، واژه‌ی
«مرحب» - قهرمان مقتول خبیر به دست حضرت علی (ع) - را نیز به ذهن
متبادر می سازد.

ایهام ترجمه نیز که در کتب بلاغی گذشته بدان نپرداخته اند چه در ادب
سنّتی و چه ادبیات معاصر مصادیق زیبا و قابل اعتنایی دارد بیش از هر شاعر
دیگر حافظ در این زمینه نمونه‌های زیبایی دارد:

شکر ایزد که به اقبال کله گوشه‌ی گل
نخوت یاد دی و شوکت خار آخر شد

شوکت (شوکت) در عربی به معنی خار نیز هست. شاعر در کنار کلمه
ترجمه‌ی آن را آورده است.

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

طرح به معنی درانداختن است و حافظ زیرکانه در کنار واژه، ترجمه‌ی
آن را آورده است.

آرایه‌های فراوان دیگری را نیز می توان برشمرد که در زیباشناسی ادبی
روزگار ما کشف و مطرح می شود که طرح همه‌ی آن‌ها نیازمند و مقالتی فراخ‌تر
است.

مطلع پنجم

طرح رمز و راز زیبایی، پذیرفتگی و تأثیرگذاری آرایه‌های ادبی از
مقوله‌های فراموش شده یا کم‌رنگ بلاغت دیروز است و همان‌گونه که پیش‌تر
گفته شد در روزگار ما نیز این بُعد مهم ادبی از التفات و عنایت کافی برخوردار
نیست.

راستی چرا تشبیه زیبا و التذاذ آفرین است؟ تکرار - همه‌ی انواع آن از
تکرار در حرف تا واژه و حتی مصراع و گاه بیت - در سروده‌ها چرا شیرین و
شکوه‌مند و شگفت و کشش آفرین است؟ آواز تأثیرگذاری بر اهت استهلال و
حسن تعلیل و مراعات نظیر و تناسب در چیست؟

کاوش و تأمل در عطن زیبای آرایه‌ها نه تنها ارزش هنری کار شاعران و
موسیقی‌دانان بزرگ را روشن می سازد که دلیل کم‌تأثیری یا دل‌آوایی برخی آثار
را نیز روشن خواهد ساخت. راز عمده‌ی زیبایی‌های ادبی را در چند ویژگی
می توان جست:

۱- تناسب و هماهنگی: تعن و ضمیر انسان از ناهماهنگی این فلسفی
می‌گریزد و می‌پرهیزد و تناسب و هماهنگی حروف، واژگان و عبارات،
موسیقی و لطیفی دل‌پذیر می‌آفریند. راجح آری و جناس در حوزه‌ی لفظ و
مراعات نظیر در حوزه‌ی معنا زیبایی‌های خود را از رنگارنگ‌تر تناسب‌ها به دست
می‌آورند.

۲- تبدیل کثرت به وحدت و وحدت به کثرت: یافتن وحدت از متن
کثرت لذت بخش و زیباست. در نظام زیباشناسانه‌ی هستی نیز همین ویژگی
حکم فرماست، مجموعه گلبزرگ‌ها (کثرت)، گل (وحدت) را می‌سازند و
مجموعه‌ی کثرات در چهره، مجموعه‌ی صورت و سیما را. حتی خالات
روحانی و درونی انسان همچون شادی محصول تبدیل کثرت به وحدت‌اند
همان‌گونه که غم تبدیل وحدت به کثرت است. وقتی روابط میان چند واژه یا
مضمون ما را به وحدت دریافت می‌رساند نوعی التذاذ را در خویش احساس
می‌کنیم مثلاً وقتی شاعر مصراع یا مطلع سروده‌ی خویش را در میان یا پایان
شعر تکرار می‌کند، به شعر نوعی وحدت می‌بخشد و این احساس یگانگی
در جریان و ساختار شعر ما را به یگانگی با شاعر و شعر می‌رساند. تشبیه و
استعاره^{۱۲}، ذهن را از کثرت بیرونی به وحدت می‌رساند. جست و جوی شاعر
و نویسنده‌ی هنرمند در عالم تشبیه، کشف همسانی‌ها و یگانگی‌ها یعنی
تبدیل کثرت به وحدت است، همچنان که عرصه‌ی مجاز نیز کوششی است
در یافتن علاقه‌ها و پیوندها و رساندن تکثرها به وحدت و یگانگی. زیبایی
سجع نیز عمدتاً در سایه‌ی تبدیل کثرت به وحدت است.

۳- تداعی معانی: مشابهت، مجاورت و تضاد (اصول سه‌گانه‌ی
تداعی)، مبنا و پایه‌ی اساسی زیبایی‌های ادبی‌اند. تشبیه و استعاره، مجاز
و کنایه، متناقض‌نما، تضاد، ایهام، مقابله، مراعات نظیر، جناس و دیگر
آرایه‌ها عمدتاً بر اصل تداعی معانی تکیه دارند.

۴- ایهام آفرینی، کشف، غافلگیری، آشنایی زدایی: گرچه می‌توان این
ویژگی‌ها را هر یک جداگانه مطرح کرد اما وجود گره در یک اثر و ایجاد غرابت
و گریز از هنجار، زمینه‌ای را می‌آفریند که ذهن به تکاپو بیفتد و سرانجام به
کشف برسد و این کشف لذت بخش و زیباست.

اگر التفات زیباست به این دلیل است که آشنایابی می‌کند و یک نواختی

ای می شکنند و فضایی تازه در سخن می آفرینند. زیبایی ذم شبیه به مدح، مدح شبیه به ذم، عکس معنا

۵- شگفتی آفرینی: این حوزه ی تأثیر روانی را می توان به حوزه ی پیشین نیز نسبت داد. اما به دلیل جایگاه و پایگاه خاص آن نیازمند نوعی استقلال ر تحلیل است. شگفتی های ادبی، شادی و لذت کشف را در پی دارند. هن پس از کشف روابط، زندگی و زیرکی شاعر و نویسنده را درمی یابد و به حسنی می پردازد. مثلاً وقتی در سروده ی زیر درمی یابیم که «مرحبا» قهرمان بشنود بهبود خیر به دست حضرت علی است از زیبایی کاربرد «مرحبا» نگفت زده می شویم و شاعر را به پاس این کاربرد زیبا می ستاییم.

دزی که به باغ پیش ما گشوده ای
هر از بار خیری تر است
مرحبا به باروان لبخند و کردار تو

احمدی موسوی گرهاردی

یافت. همین مشکل در بخش بیان و معانی نیز دیده می شود. آیا بحث حقیقت و مجاز کلی تر و مقدم بر مباحث کنایه و استعاره نیست؟^{۱۶} چنین دقیق و یافتن زنجیره ی میان مباحث نه تنها به سهولت یادگیری کمک می کند که پیوند میان مجموعه ی آرایه ها را نیز روشن خواهد ساخت. این نظام بخشی می تواند یا بر مبنای مشترکات صوری و ظاهری باشد یا بر مبنای پیوندهای زبانشناسانه و روان شناسانه. در کنار این مبحث آوردن مباحث ناهم ساز و نامحرم با مجموعه ی مباحث آرایه ای در کتب بلاغی دیده می شود. مثلاً طرح قالب های شعر در کتاب آرایه ها از منظر قالب، با کتاب آرایه ها چندین پیوند و ارتباطی می یابد بلکه دوست تر آن است که این بخش در کتاب دیگر مثلاً همراه با مباحث عروض مطرح شود.^{۱۷}

نکته های ناگفته هنر هم هست که باید به مجال و مقال دیگری سپرد.
امید است در بررسی دیگر ریاسته های دیگر را بازگویم

منابع هشتم

بهره گیری از مثال هایی که اصولاً جنبه و ارزش هنری و ادبی ندارند، از دیگر مصنف های کتب بلاغی است. برخی از این مثال ها دست فرسوده و بی نما و کلیشه ای، برخی به جای ارزش هنری تنها ارزش خبری دارند و برخی از ادبیات به زبان پیوسته و دلیل و قور کاربرد ادبی خود را از دست داده اند. هر چند ممکن است برای مثال های ساده از برخی مثال های شنا و قابل تحلیل بهره گرفته شود اما ممکن است تصور خواننده این باشد که این مثال ها ارزش هنری دارند در جمله های زیر که برای معرفی مجاز به نادر برده شده اند هیچ ارزش هنری دیده نمی شود.

مسابقات کشتی دهه ی فجر در ایران انجام شد و ایران به مقام اول رسید.

من هر روز به دوستم رنگ می زنم.

فلانی ریش سفید است.

قیمت مقطوع است.

خبر تلخی بود.

دو مثال اول برای مجاز و دو مثال دوم برای کنایه و آخرین مثال برای حسامیزی در کتاب آرایه ها ذکر شده اند. این دست مثال ها ممکن است کار آموزش را ساده کنند اما چون فاقد ارزش هنری هستند نمی توان به عنوان «آرایه» ز آن ها یاد کرد. در تحلیلی دقیق و درست، نویسنده ی کتاب ارجمند بدیع ز دیدگاه زیبایی شناسی، برخی از نمونه هایی را که برای مراعات نظیر ذکر شده است فاقد ارزش هنری می داند مثلاً در بیت زیر از مولوی شیر و گرگ و یواژه جزو اصل خیر هستند و برای زیبایی آفرینی نیامده اند.^{۱۵}

شیر و گرگ و رویی بهر شکار

رفته بودند از طلب در کوهسار

منابع نهم

نظام نایافتگی از دیگر کاستی های کتب بلاغی و آرایه ای است. در کم تر کتاب آرایه ای می توان سازمان دهی دقیقی در طرح آرایه های بدیعی

پانویس

- ۱- نخست مجموعه شریف عربی و حسن آراز سوزنچر از دانشمندان تا سال ۹۰۱ بر آن چاپ شده و شرح نوشته در: کلماتی یاد، غلامحسین اعظمی، بنیاد قرآن، چاپ دوم ۱۳۶۰، ص ۱۳۶ (ص الف)
- ۲- از آن جمله است: حاشیه ی سیدشرف جعفری (۱۳۶۰ هـ. ق)، حاشیه ی سید محسن حسین بن محمدشاه القاری، (۱۳۶۶ هـ. ق)
- ۳- انتشارات علامه، عبدالقادر شرجانی، ترجمه ی حلیل تحلیل، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، صص ۱-۳
- ۴- بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی، دکتر تقی وحیدیان کامیار، انتشارات بوستان، چاپ اول، ۱۳۷۹، این کتاب ویراسته ی دکتر رضا انزلی زاد است.
- ۵- برات استهلال یا خوش آغازی در ادبیات داستانی، ناصر ابراهیمی، حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۷۸ (این کتاب جلد سوم از مجموعه ی ساختار و مبانی ادبیات داستانی است.)
- ۶- برای نمونه کتاب های بدیع و بیان نویسنده گان صاحب نظر این عرصه مانند دکتر سیروس شمیسا، دکتر تقی وحیدیان کامیار و دکتر جلال الدین کرزای فاقد مثال ها و نمونه های اثر هستند یا به ندرت این حوزه ی وسیع را چشم عنایتی داشته اند.
- ۷- تنها کوشش ارزنده در راه شناختن قطعه های ادبی جهان در حدود دهه ی سی توسط شجاع الدین شفا اتفاق افتاد. مجموعه ی منتخبی از شاهکاری ادبیات جهان، نمونه های درخشان قطعه ی ادبی را شناسانده است. در ایران هنوز هیچ اثری مستقلاً به این مقوله ی ادبی نپرداخته است و این در حالی است که صد ها اثر موفق و نیمه موفق در چند دهه ی اخیر در این باب تولید شده است و اقبال نوجوانان و جوانان به این قالب، چشمگیر و قابل توجه است.
- ۸- معانی (زیبایی شناسی سخن پارسی)، میرجلال الدین کرزای، نشر مرکز، چاپ چهارم، صص ۹-۱۰.
- ۹- از زبان شناسی به ادبیات (جلد اول: نظم)، کورش صفوی، نشر چشمه، ۱۳۷۳، (چاپ اول)، صص ۱۱۴-۱۱۵
- ۱۰- در گذشته این عنوان با عنوان مشابه به کار برده نشده است. زبانشناسان معاصر به این آرایه متناقض نما (دکتر وحیدیان) بارادوکس، تصویر پارادوکسی (دکتر شفیع کدکنی) و خلاف عرف (دکتر غلامحسین بوسفی) و نقیض نمایی نام داده اند.
- ۱۱- حس آمیزی نیز از اصطلاحات جدید است. برخی نمونه ها که از شعر گذشته ذکر می شود گاه یا ارزش زبانی دارد یا اصولاً حس آمیزی نیست مثلاً فعل شنیدن برای بویایی آن قدر کاربرد دارد که به نظر می رسد نوعی زیبایی و تعمد شاعرانه نیست. در کتاب آرایه های دکتر روح الهادی جز نمونه ی مشهور حافظ بوی بهبود نخستین نمونه برای حس آمیزی این جمله ذکر شده است که: بین آنچه می گویم که در این جا «بین» معادل توجه کن است و ارزش آرایه ای ندارد.
- ۱۲- روزنه، (مجموعه آموزش شعر)، محمدکاظم کاظمی، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۶۲
- ۱۳- گزینیه اشعار گرهاردی، بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات سروارید، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹
- ۱۴- استعاره بیش از تشبیه وحدت بخشی به دو یا چند عنصر را به عهده دارد و به همین دلیل هنری تر و زیباتر است. البته این حکم کلی است نه مصداقی.
- ۱۵- بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی، دکتر تقی وحیدیان کامیار، ص ۶۶
- ۱۶- کتاب آرایه های ادبی مضمون از این جنبش و تقدم و تاخر مشکل زان نیست.
- ۱۷- همین مشکل نیز در کتاب آرایه ها مشهود است.